

حمایت از فرودستان در ایران روزگار ایلخانی؛ نمونه: ربع رشیدی (تبریز)

شهرام یوسفی‌فر

استاد گروه تاریخ، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۸/۰۳/۱۳) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۸/۰۴/۱۶)

Supporting the Lower class in Iran Ilkhanid Period:
A Sample of the Rab'-e Rashidi (Tabriz)

Shahram Yousefifar

Professor of Department of History, University of Tehran

Received: (2019. 06. 03)

Accepted: (2019. 07. 07)

Abstract

In the aftermath of the invasion and domination of the Mongols over Iran (7th century AH / 13th AD) and the emergence of widespread social crises of the lower class, it was necessary to adopt appropriate supportive policies to regulate their situation and reduce poverty, in order to ensure social stability and security. The issue of poverty and reconciliation of subordinate groups was considered in the opinions of medieval scholars, including Khajeh Nasir al-Din Tusi, and the results were drawn to the development of social protection programs by the private sector or government to the extent that Khajeh Rashid al-Din Fazlollah Hamedani, established a support system for the descent in the Rab'-e Rashidii.

In the present study, based on the information of the Rab'-e Rashidii and historical sources, we intend to answer the question of what were the priorities and needs of the lower class groups financially at that time, what policies and solutions to meet the needs of those groups and has social protection been taken? The result of the review confirms that in the Rab'-e Rashidi, an effective support system was designed to identify the needs of subordinate groups, in order to achieve its sustainable stability and security in the community, and to gradually empower and eliminate the traditional social damage to those groups.

Keywords: Ilkhanid, Khajeh Rashid al-Din Fazlollah Hamedani, Rab'-e Rashidi, social support, the lower class, ideal society, poverty, poverty reduction.

چکیده

با سلطه مغولان بر ایران (قرن ۷ق/۱۳م) و بروز بحران‌های فراگیر اجتماعی گروه‌های فقیر رو به فزونی نهاد و باید برای ساماندهی وضعیت آنان و کاهش فقر سیاست‌های مناسب حمایتی اتخاذ می‌شد تا ثبات و امنیت اجتماعی تأمین گردد. موضوع فقر و توانمندسازی گروه‌های فرودست در آراء صاحب نظران سده‌های میانه، از جمله خواجه نصیرالدین طوسی، مورد توجه قرار داشت و نتایج آن در تدوین برنامه‌های معطوف به حمایت اجتماعی، توسط بخش خصوصی یا دولتمردان مورد توجه قرار می‌گرفت تا جایی که خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، نظام حمایت از فرودستان در ربع رشیدی را برپا ساخت. در پژوهش حاضر، با تکیه بر اطلاعات وقف نامه ربع رشیدی و منابع تاریخی، قصد داریم به این پرسش پاسخ دهیم که اولویت‌ها و نیازهای گروه‌های فرودست در آن زمان کدام‌ها بودند؟ چه سیاست و راهکارهایی برای رفع نیازهای آن گروه‌ها و برقراری حمایت اجتماعی از آنان در پیش گرفته شد؟. برای بررسی موضوع ابتدا سیاست و راهبردهای اجرایی در ربع رشیدی شناسایی و استخراج و سپس، با تجزیه و تحلیل آنها، اولویت‌ها و نیازهای فقرا و مساکین در دوره مورد نظر بازشناسی سرانجام برنامه اجرایی و راهکارها برای رفع نیازهای اصلی فقرا تبیین شد. در نهایت مشخص می‌شود مدل حمایتی وی در کدامیک از الگوهای تأمین یا بیمه اجتماعی یا مدلی فراتر از این موارد شناخته شده، قرار داشت.

نتیجه بررسی مویید این امر است که در ربع رشیدی نظام حمایتی کارآمدی، مبتنی بر شناسایی نیازهای گروه‌های فرودست طراحی شده بود تا با اجرای آن ثبات و امنیت پایدار در جامعه ایجاد و توانمندسازی تدریجی و رفع آسیب‌های اجتماعی مرسوم در نزد آن گروه‌ها، محقق شود.

کلیدواژه‌ها: ایلخانان، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ربع رشیدی، حمایت اجتماعی، فرودستان، جامعه آرمانی، فقر، فقرزدایی.

۱. مقدمه

موضوع، مسئله، سؤالات: زندگی اجتماعی در جوامع با دغدغه دائمی در زمینه‌های نظم و بی‌نظمی، تأمین امنیت اجتماعی و فردی، اشتغال و بیکاری، توانمندسازی مستمندان، سالمندی و در نهایت کاهش تضادهای اجتماعی توأم بود و اصلاح‌گران و صاحب‌نظران الگوهای مختلف تأمین و رفاه اجتماعی را در قالب آراء مربوط به جامعه آرمانی (Utopia) ارائه کردند (نک: اصیل، ۱۳۹۳: ۲۸-۲۹). «تأمین اجتماعی» حمایت از جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی (جنگ، بلایای طبیعی، بیماری‌ها، سالمندی و نظایر اینها) است (ر.ک: مؤسسه عالی پژوهش، ۱۳۸۷: ۶). در ابتدای قرن بیستم، راهکارهای تأمین اجتماعی بیشتر در مفهوم «بیمه اجتماعی» و شامل سیاست‌هایی در حمایت از افراد ناتوان از رفع نیازهای زندگی خود بود. پس از وقوع جنگ‌های جهانی تأمین نیازهای اولیه مردمان (بهداشت، غذا، پوشاک، مسکن، حمل و نقل و سوخت...) به عنوان وظیفه دولت تعریف شد و به تدریج نظریه و برنامه «تأمین اجتماعی» به جای «بیمه اجتماعی» نشست (ر.ک: نادران و دیگران، ۱۳۹۱: ۶). در دهه‌های اخیر سیاست حمایت از گروه‌های خاص، به سیاست ارتقاء استانداردها، شرایط و کیفیت زندگی کل جامعه، که مفهوم تکامل یافته‌تری از رفاه اجتماعی است (ر.ک: فرایی مقدم، بی‌تا: ۸۴) تبدیل شد و اولویت با برقراری نظام‌های فراگیر بهداشت و درمان، خدمات آموزش ملی، معافیت‌های مالیاتی، حداقل دستمزدها، تضمین خرید محصولات کشاورزی، تأمین مسکن، پرداخت یارانه مصرفی و تولیدی بود (ر.ک: نادران و دیگران، ۱۳۹۱: ۶). با این وجود در دنیای گذشته هم نظام تأمین اجتماعی

برقرار بود که با الگوی تأمین اجتماعی در نظام مدرن تفاوت‌های آشکاری داشت، و می‌توان با شناسایی آن به درک دلالت‌ها و ضرورت‌های تأمین اجتماعی در جهان مدرن دست یافت (ر.ک: زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۸: ۲۳۳؛ بررسی کامل‌تر موضوع در: Hong, 2001: 467-480). فرایند تکامل سیاست‌ها و راه کارهای اصلاح اجتماعی، با هدف افزایش رفاه و تأمین اجتماعی، چون امری تاریخی است که در تاریخ ایران نیز پیشینه دارد؛ از این رو، بازشناسی تجربیات و آموزه‌های تاریخی این بحث که البته در بازشناسی فهم کنونی از مقولات رفاه و تأمین اجتماعی، در ایران بسیار مفید و حاوی درس‌هایی جهت اصلاح نظریه‌ها و تعمیق برداشت‌ها از این موضوع، برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی است، ضروری است.

حمله مغول و حاکمیت آنان بر جامعه ایران، تخریب گسترده نهادها و مؤسسات اجتماعی و بروز تغییرات اجتماعی وسیعی را به دنبال داشت (ر.ک: بویل، ۱۳۷۹: ۳ / ۴۵۴-۴۶۰؛ اقبال، ۱۳۸۸: ۹ / ۷۰ به بعد) که در نتیجه آن وضعیت بسیاری از آموزه‌ها، سیاست‌ها و عملکردهای نهادهای قبلی ناکارآمد شد و باید بازناندیشی در نظریه‌ها و سیاست‌ها، به منظور مدیریت جامعه بحرانی در وضعیت جدید اجتماعی صورت می‌گرفت تا پریشانی و گسیختگی‌های اجتماعی چاره‌جویی شود. پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی، چالش‌های روزمره و حاد اجتماعی را در بین اقشار و گروه‌های فزاینده فقیر ایجاد و آنان را به عوامل تهدید همبستگی و ثبات اجتماعی، امنیت اجتماعی و فردی تبدیل کرده بود. از این رو در این دوره، موضوع ساماندهی امور جماعات «بی‌سر و سامان»، «فقیر و درویش و مسکین» چون گروه‌های

۲. روش بررسی

برای بررسی موضوع ابتدا سیاست و راهبردهای اجرایی در ربع رشیدی شناسایی و استخراج شده، و سپس براساس تجزیه و تحلیل آنها، اولویت‌ها و نیازهای فقرا و مساکین در دوره مورد نظر را بازشناسی و برنامه اجرایی و راه کارها برای رفع نیازهای اصلی فقرا تبیین می‌شود. در نهایت مشخص می‌شود مدل حمایتی وی در کدامیک از الگوهای تأمین یا بیمه اجتماعی یا مدلی فراتر از این موارد شناخته شده، قرار داشت.

۳. رویکرد

در دوره پیشامدرن و خاصه دوره مغول، پیچیدگی مسائل و آسیب‌های اجتماعی فقر و مسکنت را در جامعه (ر.ک: ساندرز، ۱۳۶۳: ۶۱-۶۷؛ پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۱۴-۱۳؛ رجبزاده، ۱۳۵۵: ۱۶۳-۱۶۷) گسترش داد و در پاسخ به این وضعیت خواجه رشیدالدین فضل الله، مدل حمایتی جامع و فراگیری را در ربع رشیدی اجرایی کرد. مدل حمایت اجتماعی مزبور تأمین و رفاه اجتماعی برای گروه‌های مشخص (خانواده واقف، اهل علم، پیشه‌وران و برخی صنعتگران و نظایر اینها) تا مواردی که به مدل «تأمین اجتماعی» در مفهوم امروزی نزدیک‌تر بود (تأمین و رفاه برای مسافران، وضعیت فوت، تأمین هزینه درمان و مواردی نظیر آن) و نیز مواردی که «بیمه اجتماعی» امروزی - برنامه‌ریزی جهت حمایت از افراد ناتوان از رفع نیازهای عادی زندگی روزمره خود مانند بهداشت، غذا، پوشاک، مسکن - را در برمی‌گرفت، مبتنی بر آموزه‌های اجتماعی بود که با رویکردی ساختاری و در چارچوب اعتقادات دینی به

اصلی مسکینان در جامعه، به دغدغه دولت‌مردان و صاحب‌نظران اجتماعی تبدیل شد. به دلیل ناکارآمدی الگوهای تأمین اجتماعی پیشین مشکلات فقر و فقرا به مسائل اجتماعی تبدیل و چالش‌های عمیقی برای حکمرانان و اجرای سیاست‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به وجود آورد.

حکمرانان مغول می‌باید با برقراری نظم اجتماعی، چالش‌های جامعه را با اعمال سیاست‌های تأمین اجتماعی، مدیریت کرده و امنیت اجتماعی و فردی را با ترویج نوعدوستی یا محبت (ر.ک: طوسی، ۱۳۶۰: ۱۳۶، ۲۵۸)، که مظاهری از «عدالت اجتماعی» به شمار می‌رفت، برقرار سازند. تحقق این خواست مستلزم طراحی سیاست حمایت فرودستان و نهادهای مربوط بود. امری که در نزد خواجه رشیدالدین فضل الله (۶۴۸-۷۱۸ق) در ربع رشیدی محقق شد. وی با شناخت اوضاع و احوال جامعه معاصر، کارآمدی و ناکارآمدی سیاست‌ها و رویه‌های حمایتی و رفاهی حکومتی و بخش خصوصی و نیز آسیب‌های موجود در این زمینه، سیاست‌هایی که از نظر اصول نزدیک به آن چه که امروزه با عنوان «تأمین و رفاه اجتماعی» از آن یاد می‌شود، در ربع رشیدی اجرا کرد که در زمانه خود از نظر برنامه‌ریزی و اجرا بسیار تکامل یافته بود. در این بررسی روش‌های حمایت فقرا و مسکینان در ربع رشیدی کاوش می‌شود تا مشخص کنیم در این دوره سیاست حمایت اجتماعی از فقرا و مسکینان، کدام نیازهای آنان در اولویت قرار داشت؟ راهکارها جهت ساماندهی آنها چه بود؟ سیاست‌های حمایتی مزبور به مفهوم تأمین اجتماعی نزدیک بود یا بیمه اجتماعی؟.

چالش‌های نظام اجتماعی پرداخته و آن را فهم می‌کرد (برای تفصیل ر.ک: آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۴-۱۰۵). این رویکرد با آموزه‌های اجتماعی معطوف به شرایط جوامع پس از انقلاب صنعتی تفاوت‌های معناداری داشت. افزون بر این، بهره‌گیری از عنصر وقف در این راستا، شرایط پیچیده و تکامل یافته‌تری را به‌وجود می‌آورد. این امر مزیت این‌گونه مدل حمایت اجتماعی از فرودستان به شمار می‌رود.

۴. پیشینه بحث

در باب سیاست‌های حمایت از فرودستان و تأمین اجتماعی در سده‌های میانه، سابقه مطالعه‌ای در دست نیست و اندک مطالعات نیز به بازشناسی آموزه‌های حمایت یا تأمین اجتماعی در قرآن و متون دینی بسنده کرده‌اند. همچنین اشارات پراکنده‌ای به وضعیت پریشان رعیت در شماری مقالات یا رساله‌های تحصیلی و تحقیقی دیده می‌شود و بدیهی است آن سوابق با موضوع و رویکرد مد نظر در این مقاله ارتباطی ندارد.

برای ساماندهی این بحث دو گروه منابع و مآخذ مورد استفاده قرار گرفت: اول مجموعه‌ای از کتب که آراء و نظریه‌های حمایت و تأمین اجتماعی را دربرداشت، و دوم مواردی از امهات متون اندیشه‌ای سده‌های میانه (سیاست‌نامه و اخلاق ناصری) و خاصه وقف‌نامه ربع رشیدی، که اساس این تحقیق درباره ربع رشیدی بر این کتاب استوار است.

۴. مدل حمایت اجتماعی در سده‌های میانه

آموزه‌ها و مقررات دین اسلام و تجربیات عملی حکمرانان مسلمان در استقرار جامعه مطلوب در بردارنده سیاست‌های حمایت اجتماعی و توجه به

مقوله عدالت اجتماعی بود تا با هدف «تأمین اجتماعی» محرومیت‌زدائی شده و حد متوسط در زندگی مردمان برقرار شود (قابل، ۱۳۸۰: ۲۴۵؛ زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۸: ۶۶۵-۶۶۷). اختصاص شماری از درآمدهای مالیاتی (مانند زکات، ر.ک: توبه، ۹۰) به نیازمندان و محرومان یا تأکید بر حقوق محرومان بر ثروتمندان (ر.ک: قابل، ۱۳۸۰: ۲۴۶-۲۴۵) و تکلیف مسئولان جامعه به رسیدگی در این امور (ر.ک: تکاثر، ۸؛ صافات، ۲۴؛ نیز ر.ک: قابل، ۱۳۸۰: ۲۴۷) به منظور حفظ انسجام، ثبات اجتماعی و ایمان بود (کرمی، ۱۳۸۷: ۱۸؛ نیز ر.ک قابل، همان: ۳۴۳-۳۴۵). الگوی اولیه تأمین اجتماعی، تأمین نیازهای متعارف فقیران، بدهکاران، در راه ماندگان، بیماران، سالمندان، و بی‌سرپناهان بود (ر.ک: کرمی: همان‌جا؛ نادران و دیگران، ۱۴-۱۸، ۹۱). با تکامل سیاست‌ها و آموزه‌های تکافل (تأمین) اجتماعی، سیاست‌های ایجاد اشتغال و تأمین معاش افراد، رسیدگی و تأمین مایحتاج فقرا، ورشکسته‌ها، از کارافتادگان و خسارت دیدگان (ر.ک: کرون، ۱۳۸۹: ۵۱۱-۵۱۳)، پرداخت دیه مقروضان (انفال، ۴۱؛ حشر، ۷؛ توبه، ۶۰) و هزینه‌های بیماران در نظر گرفته شد تا سطح زندگی و شاخص‌های اجتماعی محرومان به حد متوسط جامعه (ر.ک: نادران و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴) برسد (برای مقایسه با آموزه‌های مسیحیت، ن.ک: pullan, 2001: 447-451). سیاست‌گذاری و عملکردها در جهت تأمین اجتماعی و با هدف اجرای عدالت اجتماعی در جامعه (ر.ک: رودنسون، بی‌تا: ۴۲-۴۵) بود. در نزد مذاهب مختلف این موضوع به اشکال مختلف طرح می‌شد (در مورد شیعه، ر.ک: اصیل، ۱۳۹۳: ۸۷-۹۵). میزان توفیق حکومت‌ها در اجرائی‌سازی این سیاست‌ها، در اینجا محل بحث نیست.

نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ق)، با طراحی مدل ایجاد تعادل در جامعه، در روند اصلاح مناسبات اجتماعی و بازسازی آن (ر.ک: نبئی، ۱۳۷۶: ۲۵) نقش ایفا کرده و حوزه نظری و عملی حکمرانی و سیاست‌گذاری اجتماعی در این دوره از آراء وی متأثر بود. در آرای اجتماعی خواجه نصیرالدین عوامل بقای جامعه با تمرکز بر نظریه «محبت» (ر.ک: خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۰: ۲۵۸ به بعد)، به عنوان مبنای اتحاد در جامعه چون تحقق کمال طبیعی و عامل بقای جامعه مد نظر بود. محبت، اشتیاق و باور فرد به همکاری با جامعه به مثابه تن واحد (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۰: ۲۵۸) بود. در نظر وی جامعه دارای اصناف و سلسله مراتب اجتماعی متفاوت بوده و تفاوت انسان‌ها در توانایی‌هایشان، نایکسانی بین آنها ایجاد کرده، و اختلاف در «دواعی افعال» آنها، اهداف متنوع در نزد آنها (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۰: ۲۵۲) را باعث می‌شد. از این رو هدف حفظ انسجام و حرکت در مسیر کمال یا تحقق مدینه فاضله تحت «تدبیر یا سیاست» (همان‌جا) بود. در نظر طوسی «هیأت اجتماع اشخاص انسانی»، چنین است: «اجتماع منزلی»، «اجتماع اهل محله»، «اجتماع اهل مدینه»، «اجتماع امم کبار»، «اجتماع اهل عالم» (همان: ۲۵۵-۲۵۶) و این ساختار و روابط اجتماعی از فرد تا جامعه جهانی و تحت نظام ریاست بود (همان: ۲۵۶). در جامعه فاضله کار مفید انسان موجب سعادت (ر.ک: تواناییان فرد، ۱۳۶۱: ۲۹۸-۲۹۰) و تعادل در تولید و توزیع (همان: ۳۰۲؛ اصیل، ۱۳۹۳: ۱۶۶-۱۶۸) می‌شد. «کار مفید» با کسب تجربه و تخصص در فنون با وجود سلسله مراتب و خویشکاری اجتماعی (ر.ک: نبئی، ۱۳۷۶: ۵۹)، براساس استعدادهای افراد، به دست می‌آید. این امر تقسیم اجتماعی را پدیدار می‌کرد که

موضوع عدالت اجتماعی و تأمین و رفاه اجتماعی در نظریه‌های «مدینه فاضله»، که آسیب‌شناسی وضع جامعه موجود و چشم‌انداز جامعه آرمانی یونان و ایران (ر.ک: مجتبابی، ۱۳۵۲؛ رستم‌وندی، ۱۳۹۲: ۶۰-۶۶) بود، بروز داشت. نیل به زندگی مبتنی بر نظم آرمانی عادلانه، برقراری سلسله مراتب و خویشکاری مردمان (ر.ک: نامه تنسر، ۱۳۵۴: ۶۰-۶۷؛ رستم‌وندی، ۱۳۹۲: ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۷). نظریات عدالت آرمانی کهن در زمینه خویشکاری هر فرد در جامعه (ر.ک: مجتبابی، ۱۳۵۲: ۳۹ به بعد؛ اصیل، ۱۳۹۳: ۴۵-۷۹؛ رجیبی - کافی، ۱۳۸۷: ۳۷) در نزد فارابی (ر.ک: اصیل، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۲، ۱۳۷-۱۵۳)، ابن سینا (ر.ک: همان: ۱۵۴-۱۶۰)، سهروردی (ر.ک: رستم‌وندی، ۱۳۹۲: ۴۲۶-۴۲۷) و شماری دیگر از متفکران مسلمان (فردوسی، نظامی، سنایی (ر.ک: اصیل، ۱۳۹۳: ۹۷ به بعد؛ مجتبابی، ۱۳۵۲: ۱۲۵ به بعد؛ کرون، ۱۳۸۹: ۲۸۲-۳۳۳؛ بستانی، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۷) بر محور اصالت زیست اجتماعی و تقسیم کار اجتماعی قوام یافته بود و حکومت‌ها موظف به پاسداری از مدینه فاضله و برقراری حمایت‌های اجتماعی به فرودستان و نیازمندان (ر.ک: کرون، ۱۳۸۹: ۵۱۳-۵۱۵) بودند. تصور شهر زیبایی در سده‌های میانه چند محور اصلی بود: برابری، نبود حکومت، پارسایی، سازگاری و آمیختگی با طبیعت، فراوانی، دورافتادگی (ر.ک: اصیل، ۱۳۹۳: ۹۷-۱۰۲).

در دوره مغول نظریات و سیاست‌های «تأمین و رفاه اجتماعی» و در ذیل آن حمایت از فرودستان، تحت تأثیر دو عامل میراث نظری و عملی مسلمانان در مباحث جامعه فاضله (برای مقایسه ر.ک: اصیل، ۱۳۹۳: ۱۳۷ به بعد؛ نبئی، ۱۳۷۶: ۴۹-۵۴) و وضعیت بحرانی جامعه (ر.ک: بویل، ۱۳۷۹: ۴۵۴ به بعد) نیازمند بازاندیشی و نوآوری‌های ژرف بود. خواجه

خواجه رشیدالدین فضل الله با آنکه تجربیات حکمرانی و دانش تجربی سیاسی و، به‌ویژه، برنامه‌ریزی و اجرای اصلاحات اجتماعی تجربیات افزون‌تری از طوسی داشت و در دوره تاریخی بعد از وی می‌زیست، در کلیات مباحث جامعه مطلوب و رویکردهای اجتماعی وامدار نظام اندیشه‌ای او بود. از جمله در زمینه طراحی جامعه مطلوب در ربع رشیدی، در چند محور تاثیرات آرای طوسی ملاحظه می‌شود: تعیین صفات و خویشکاری رؤسای ربع (متولی، مشرف، ناظر) و تأکید بر شرایط استحقاق و وظایف منحصر آنان چون افراد برگزیده و شایسته برای اداره جامعه ربع (ر.ک: رشیدالدین فضل الله، ۱۳۵۶: ۱۲۹)، برداشت از مفهوم عدالت اجتماعی و مؤلفه‌های سه‌گانه آن (ر.ک: نبئی، ۱۳۷۶: ۸۶-۸۷) که مبنای زندگی کامل به‌شمار می‌رفت، و نظام مطلوب حیات جمعی مبتنی بر سلسله مراتب و خویشکاری مردمان و مفهوم محوری تعادل اجتماعی - اقتصادی (درآمد متناسب با نیاز اجتماعی افراد، تربیت اجتماعی معطوف به کسب دانش فنی و تأمین مسکن) (ر.ک: تواناییان فرد، ۱۳۶۱: ۲۶۰-۲۷۰) و مفهوم محوری تعادل اجتماعی اقتصادی (درآمد متناسب با نیاز اجتماعی)، برخورداری افراد از امکانات و امتیازات (مانند مسکن) و نحوه استقرار فضایی آنان طبق سلسله مراتب اجتماعی، جهت پرهیز از اختلاط جنس و ناجنس (ر.ک: رشیدالدین فضل الله همدانی، ۱۳۵۶: ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۷۲).

در این راستا با تمرکز بر یک جزء از مباحث برنامه‌ریزی و اداره جامعه در دوره مغول، بر موضوع حمایت از فرودستان در جامعه ربع رشیدی تمرکز می‌کنیم و تجربه خواجه رشیدالدین فضل الله را در حوزه نظری و عملی، که به دنبال استقرار جامعه

هر بخش از جامعه (از رؤسا، اهل حکمت و تدبیر، مبلغان فضایل، پاسدار عدالت و قسط و مجاهدان و نظامیان، اهل معامله و صنعت) (ر.ک: نبئی، ۱۳۷۶: ۸۰-۸۱) به وظایف خود می‌پرداختند. چون در جامعه سه سطح تعادل - لایه‌ها و اقشار اجتماعی، مراتب مردم بر اساس استعداد ذاتی آنها، توزیع پاداش‌ها وفق استعدادهای مردم - برقرار شود، هر گروه در جای خود قرار می‌گیرد (ر.ک: نبئی، ۱۳۷۶: ۹۰). حال اگر در نظام اقتصادی برای اعضای جامعه حد کفاف (برطرف شدن ضروریات زندگی مانند درد گرسنگی و درد سرما)، عدالت در توزیع درآمدها (رفع حد میانگین نیاز اجتماعی)، رعایت اصل تقسیم کار از نظر تخصص‌آموزی و تولید اجتماعی و برخورداری از مسکن (متناسب با نیاز اجتماعی و شخصی و شغلی فرد و در حد مکان خاص) (ر.ک: تواناییان فرد، ۱۳۶۱: ۲۵۳، ۲۶۰-۲۷۰، ۳۰۲) محقق شود، تعادل برقرار می‌گردد. براساس اقتصاد اخلاقی، عدالت اقتصادی در اثر نفی انباشت ثروت و جمع اموال (همان: ۲۴۷، ۲۳۶-۲۳۷) جاری می‌شود. خواجه نصیر با حذف عوامل تنازع در جامعه، مانند نابرابری در شکل مالکیت و دارایی، تمایل به کسب رتبه و اعتبار اجتماعی، رسیدن به شهوات و تمایلات نفسانی، نزاع در آراء و عقاید (ر.ک: نبئی، ۱۳۷۶: ۱۰۲) و جایگزین کردن «محبت» به جای آن، امکان بقای حیات اجتماعی را طراحی کرد. با آنکه اصلاحات راهبردی طوسی طبق آموزه‌های «مدینه فاضله» بود اما تأملات وی در راستای فهم بحران‌های اجتماعی دوره مغول و نظریه‌پردازی به منظور خروج از وضعیت بحرانی و ایجاد چارچوب‌های فکری مناسب برای تضمین بقا و استمرار حیات اجتماعی در آن دوران، راهگشایی‌هایی برای فعالان آن روزگار داشت.

ر.ک: Blair, 1984, 67-90; Blair, Iranica, online edition).
اگرچه نگاشتی که توضیح دهنده توجیهات اصلی برپایی این مجتمع باشد، اکنون در اختیار نیست، اما به ناگزیر باید از مسیر تجزیه و تحلیل ساختی و عملکردی مؤسسه مزبور، این موضوع را دریافت. براساس بررسی متن وقفنامه، گزاره‌هایی که در این رابطه قابل بازیابی است، به این شرح است:

الف. در روند طراحی و برنامه‌ریزی تأسیس مؤسسه ربع رشیدی، رویکرد حمایت اجتماعی از گروه‌های اجتماعی، به ویژه فرودستان، مورد توجه قرار داشت.

ب. سیاست‌ها و حمایت‌های مورد نظر، براساس برداشتی از مناسبات مطلوب جامعه استوار بود که پیش از وی از سوی صاحب‌نظران، به ویژه طوسی وصف شده بود.

ج. برای پایداری نظام مالکیت و اجتناب از آسیب‌های مرسوم زمانه، مالکیت وقفی به عنوان تضمینی برای موفقیت و به ثمر نشستن برنامه مورد نظر بود، مد نظر قرار گرفت.

د. نهادینه کردن حمایت اجتماعی از طریق اتکاء ضوابط و مقررات مربوط به پشتوانه نظامات حقوقی و شرعی موجود در جامعه بود. این مهم از طریق نگاشت ساختار جامعه مطلوب مورد نظر محقق شد و در وقفنامه طرز گردش کار اجزاء خرد و عرصه‌های کلان جامعه درج گردید.

و. تلخیص تجربیات و تأملات بانی مجتمع ربع، مربوط به شرایط جامعه در زمانه وی بود که با فهم دقیق از انواع محرومیت‌های اجتماعی، نیازمندی‌های گروه‌های مختلف و برنامه‌ریزی جهت توانمندسازی گروه‌های کم‌برخوردار صورت گرفت.

مطلوب بود، بررسی می‌نماییم (برای دیدن بررسی مناسبات شهری و نقش وقف در آن، ر.ک: یوسفی فر، ۱۳۹۷).

۵. ربع رشیدی: ملاحظات استقرار جامعه مطلوب

خواجه رشیدالدین فضل الله بنا به موقعیت ویژه‌ای که به عنوان دانشمند و سیاستمدار دوره مغول داشت، موقعیتی منحصر به فرد در این بحث دارد؛ زیرا تهاجم اقوام کوچ‌رو بحران‌های عمیق در ساخت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی و شرایط پیچیده و آشفته‌ای را به وجود آورد (گزارشی از این وضعیت: رجب‌زاده، ۱۳۵۵: ۱۶۳-۱۶۷) و با تزلزل در نظریه‌های اجتماعی مألوف، بنیان‌های اخلاقی و دانشی جامعه آن را نابسامان‌تر کرد. از این رو نیاز به نظریه‌پردازی و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی جهت ساماندهی امور بود. امری که باید از یک نظریه کلان و راهبردی کارآمد برای تبیین شرایط پیچیده اجتماعی بهره می‌برد تا راه‌حل‌های مؤثر برای خروج از بحران فراگیر زمانه (رجب‌زاده، ۱۳۵۵: ۱۶۳-۱۶۷) ارائه کند. در چنین شرایط دشوار حکمرانی برنامه جامع اصلاحات اجتماعی خواجه رشیدالدین فضل الله و گروه موافق وی طراحی و به اجرا درآمد (برای ملاحظه جزئیات بحث، ر.ک: رشیدالدین فضل الله همدانی، ۱۳۷۳: ۲/ قسم سوم). در بازشناسی مقدمات و پیشینه تجربی و فکری خواجه رشیدالدین در این موضوع، باید به تجربه استقرار مجتمع شنب‌غازان (ر.ک: لمبتون و کرک، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۸) و نیز بسیاری طرح‌های متقدم که خواجه رشیدالدین در مناطق مختلف ایران به اجرا درآورد، اشاره کرد. در واقع طراحی ربع رشیدی با تأملات لازم در وجوه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه آن روزگار صورت گرفته بود (بررسی تفصیلی ساختار فضائی و عملکردی ربع رشیدی: یوسفی فر، ۱۳۹۷؛ نیز

۵-۱. آموزه‌ها و بنیان‌های برنامه حمایت از فرودستان سیاست و برنامه‌های حمایت از فرودستان در چند محور اصلی به شرح زیر، قابل تشخیص است:

۵-۱-۱. راهبردهای حمایتی در دو بخش «مساعدت» و «خدمات» اجتماعی، به شکل «حمایت مستقیم» و «غیرمستقیم» از افراد نیازمند، تنظیم شد: گاه به‌طور مستقیم یک نیاز مدنظر قرار داشت و راهکاری برای برطرف کردن آن تعبیه شده یا به‌طور غیرمستقیم برطرف کردن نیازها و محرومیت‌ها ملاک عمل بود. نیازهای محرومان به دو شکل نیاز دائمی یا موقتی تعریف و راهکاری متناسب برای هر نیاز، تعبیه و به کار برده می‌شد.

۵-۱-۲. در برقراری نوع حمایت‌ها، به تمایزات اجتماعی و فرهنگی افراد به خوبی توجه می‌شد؛ از جمله به‌طور دقیق بین «مردمان متمیز» و افراد جز آن، تمایز گذاشته و برای هرکدام ترتیبی متناسب با شئون اجتماعی آنان در نظر گرفته شد (برای نمونه، ر.ک: رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۶: ۱۴۲). گاه در برخی مواضع تمایز فضایی بین دو گروه در برنامه روزانه‌ای چون نهار خوردن (همان: ۱۳۸) نیز رعایت می‌شد. امری که براساس آموزه‌های اجتماعی که در باب انسان، جامعه و مراتب درون آن وجود داشت و نیز نظر به مصلحت عمومی جامعه، توجیه‌کننده نوعی جدایی‌گزینی گروه‌های جامعه در فضاهای عمومی، براساس منزلت اجتماعی آنان بود.

۵-۱-۳. اصل دیگر در حمایت اجتماعی از محرومان، برنامه تأمین «امنیت غذایی» آنان بود. در این مورد نیازهای حداقلی آنان به خوراک روزانه در حد یک قرص نان و یک وعده غذای گرم، به عنوان برنامه غذایی مستمر (ر.ک: همان: ۱۶۰-۱۶۴)، به صورت سالانه و با دستورالعمل بسیار دقیق در جزئیات و

براساس ملاحظات فوق، محورهای اصلی برنامه‌های مورد نظر در تعیین عملکردی مجتمع ربع رشیدی در این حوزه‌ها طراحی شده بود: حوزه دانش (آموزش، مهارت آموزی)، حوزه سلامت (بهداشت و درمان)، نان و آب، مسکن، شغل، بیمه، امور رفاهی، افراد بی‌سرپرست، اخلاق اجتماعی، مدیریت فرآیندهای اجتماعی.

براساس تمرکز مباحث این مقاله بر موضوع فرودستان است و در ادامه برنامه این نهاد از زاویه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در راستای تحقق اشکالی از تأمین، رفاه و بیمه اجتماعی، ویژه این گروه‌های اجتماعی مطالعه می‌شود.

۶. نظام حمایت اجتماعی از فرودستان در ربع رشیدی

رشیدالدین فضل‌الله نظام حمایت‌های اجتماعی از فرودستان را در چارچوب سیاست‌ها و ضوابطی در وقف‌نامه ربع رشیدی تدوین کرد. وی بنا به شناخت عمیق از مناسبات اجتماعی، نظام ویژه‌ای برای حمایت از گروه‌های فرودست طراحی و اجرا کرد.

آگاهی‌های ما در باب موضوع، مربوط به دوره تأسیس ربع رشیدی است و گزارشی از وضعیت آن در ادوار بعد در دست نیست و از این رو امکان سنجش و ارزیابی میزان توفیق و اثربخشی برنامه‌ها، سیاست‌ها و راهبردهای واقف در استقرار جامعه مطلوب و برقراری حمایت از فرودستان در درازمدت قابل بررسی نیست. در ادامه، براساس چنین وضعیتی، نظام حمایت مورد بحث بررسی می‌شود:

به این گونه برنامه‌ها بود. از این رو ضوابطی وضع شد تا توجه و اهتمام مدیران ربع به حفظ ماهیت و چارچوب سیاست‌ها و اجرای مقررات حمایت از محرومان را تضمین نماید. مقررات سخت در مورد اخلاق اداری، سلامت مالی و پایبندی به اهداف برنامه‌ها از اولویت‌های تصدی مناصب در ربع بود (ر.ک: همان: ۱۲۳-۱۲۴).

۵-۱-۷. در برنامه‌های مورد نظر شاخصه‌های تأمین اجتماعی مورد توجه قرار داشت: اصل تأمین حداقل درآمد و تعیین دست مزد، اصل برخورداری متناسب افراد فرودست از درآمدها و امکانات مختلف ربع بر اساس نظامی از باز توزیع درآمدها، توجه به اصل تقسیم کار اجتماعی و تخصص گرائی در مشاغل و بهره‌مندی افراد از فواید و نتایج این امر، تأمین حداقل سرانه مسکن ضروری برای هر فرد و خانواده‌ها. این شاخصه‌ها بر اساس مفهومی از «عدالت اجتماعی»، مبتنی بر آموزه‌های جامعه آرمانی متفکران مسلمان بود که مورد بحث قرار گرفت.

۵-۱-۸. در کنار برنامه جامع حمایت و تأمین اجتماعی، برای گروه‌های کم‌برخوردارتر، بسته‌های ویژه تأمین اجتماعی طراحی شده بود. به عنوان مثال در مورد گروه‌های غلامان، به عنوان گروهی خاص از فرودستان، رویکردی اتخاذ شده بود که نیازهای ضروری زندگی اینان گزینش شده و روش‌های رسیدگی به آن موارد به صورت بسیار جزئی در نظر گرفته شده بود. از مقررات تقاعد - بازنشسته شدن -، تا شیوه جایگزینی فرزندان لایق آنان به مناصب پدران، تصدی غلامان جوان در مشاغل براساس تخصص، مقررات مربوط به پس‌انداز بخشی از درآمد غلامان به منظور تأمین آینده وی و خانواده‌اش

ترکیبات و وزن وعده‌های غذایی بود. این برنامه مفصل گرسنگی و کمبود مواد خوراکی مورد نیاز روزانه فرودستان را برطرف می‌کرد و مانع از بروز آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از تداوم گرسنگی می‌شد.

۵-۱-۴. برای مؤثرتر کردن سیاست‌های حمایت از فرودستان، دستورالعمل‌ها و ضوابط اجرایی متناسب با آنها نیز در نظر گرفته شده بود. واقف به این امر توجه داشت که ناآگاهی و محرومیت‌های فرهنگی گروه‌های فرودست موجب می‌شد متولیان امور در زمینه‌های مختلف مجال سوء استفاده‌های گوناگون را پیدا کنند، از این رو ضروری بود برای اجرای عادلانه برنامه‌ها و پرهیز از بی‌رسمی‌ها، تدابیری در نظر گرفته شود. این تدابیر در شکل مقررات مستمر و ثابت در توزیع مواد خوراکی، خدمات رفاهی و عمومی بود.

۵-۱-۵. شماری از برنامه‌های رفاهی در قالب سیاست برقراری یارانه‌های عمومی بود تا هزینه‌های عمومی زندگی در ربع را کاهش دهد. این نوع برنامه‌ها که جماعات عام‌تر از فرودستان را نیز در بر می‌گرفت، شامل تأمین امکانات ضروری زندگی بود؛ خدماتی چون تأمین روشنایی معابر و مواضع عمومی (همان: ۱۶۴-۱۷۰)، دسترسی به منابع رایگان آب (همان: ۱۲۹)، ضوابط بازسازی موقوفه (همان: ۱۲۵-۱۲۷)، رایگان بودن حق آب مزارع و باغات (همان: ۲۱۴-۲۱۵) و نظایر این موارد. این گونه یارانه‌های غیرمستقیم، باعث کاهش قابل توجه هزینه‌های عمومی زندگی در ربع و در طولانی مدت زمینه‌ساز رفاه اجتماعی برای گروه‌های فرودست بود.

۵-۱-۶. ضمانت اجرای دائمی برنامه‌های مورد نظر، بسته به وجود مدیران و کارمندان باورمند

و تعهدات مدیریت ربع در پرداخت سهم کارفرما، و دیگر موارد نظیر (همان: ۱۵۰-۱۵۶).

مجموعه سیاست‌های حمایتی و تأمین اجتماعی این دوره، در برخی جزئیات سیاستی و روشی، فراتر از زمانه بود.

مرور سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی برنامه حمایت و تأمین اجتماعی فوق، در قالب چارچوبی این چنین قابل بازطراحی است: توجه به اصل عدالت در توزیع فرصت‌های زندگی و درآمدها و برخورداری از امکانات جامعه در حد پذیرفته شده زمانه؛ و اصل ممانعت از گسترش فقر و خروج تدریجی فقرا از موقعیت فرودستانه. خواجه رشیدالدین در نظام مدیریتی ربع آسیب‌های ناشی از کاهلی مدیران مجتمع و فرسایش تدریجی برنامه‌های حمایتی از فرودستان را پیش‌بینی کرد و در نظر داشت با تعبیه مقررات ویژه، مانع وقوع آتی آن آسیب‌ها شود. در واقع سیاست‌گذارهای حمایت و تأمین اجتماعی در ربع به گونه‌ای بود که با گذشت زمان و گردش امور مجتمع ربع طبق برنامه‌های طراحی شده، توسعه اجتماعی مطابق با الگوی مدینه فاضله را محقق کند.

۲-۵. برنامه‌های حمایت و تأمین اجتماعی در ربع براساس سیاست‌ها و اصول کلی که خواجه رشیدالدین فضل‌الله، جهت حمایت از فرودستان در جامعه ربع طراحی و پایه‌گذاری کرده بود، برنامه‌ها و راهکارهای اجرایی خاص و مشخص برای عملی کردن آن سیاست‌ها تدوین و عملیاتی شد. در بررسی سند پایه‌ای این سیاست‌ها و نیز شرح دستورالعمل‌های موجود در وقف‌نامه ربع رشیدی، رؤس برنامه‌های مزبور قابل استخراج است. اهم

آنچه در این خصوص بازشناسی شد به شرح زیر است:

۱-۲-۵. برنامه تأمین خوراک مورد نیاز روزانه رشیدالدین فضل‌الله به منظور تأمین دائمی یکی از مهم‌ترین نیازهای روزانه فرودستان برنامه‌ای چندسطحی طراحی کرد تا به نحو مؤثری حداقل خوراک روزانه مورد نیاز این افراد در دو شکل غذای گرم روزانه و اعطای مقدار مشخصی نان به آنان تأمین گردد. با عنایت به فرهنگ غذایی آن دوران، نان اصلی‌ترین جزء تغذیه بود که به‌عنوان یک وعده غذای گرم برای یک شبانه‌روز کفاف زندگی نیازمندان را می‌داد. بر این اساس سیاست حمایت از محرومان در شکل تأمین مواد غذایی لازم در طول شبانه‌روز، که به صورت دائمی اجرا می‌شد، چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای گذران این گروه‌ها ایجاد می‌کرد. رویه‌های اجرایی این سیاست، که در ادامه می‌آید، بسیار سنجیده تعیین شده بود:

الف- تأمین نیازهای روزانه: غذای رایگان

برنامه طبخ و توزیع غذای گرم روزانه در بین نیازمندان و محرومان جامعه ربع رشیدی، از مقررات ویژه‌ای پیروی می‌کرد. نخست باید گروه‌های مشمول این حمایت شناسایی می‌شدند. الگوی طراحی شده برای اجرای تغذیه رایگان نیز با ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناسانه‌ای توأم بود، تا به طور ضمنی از طریق اجرای این برنامه رشد اجتماعی و نظم بخشی به رفتار این گروه‌ها نیز محقق شود. وجه فرهنگی و تربیتی در این برنامه، از نظر رعایت شأن این افراد در جامعه، نیز مد نظر قرار داشت. گروه هدف این برنامه تأمین‌ی نیز گروه «درویشان و مساکین» بودند که به طرق مختلف شناسایی و مشخصات آنها ثبت و ضبط می‌شد.

مستمندان بود که در دارالمساکین توزیع می‌شد و حاوی یک وعده غذای گرم و یک قطعه نان بود. در دارالمساکین گروه‌های دیگری از این جماعت پذیرفته می‌شدند. به احتمال مشخصات اینان به صورت ثبت و ضبط شده‌ای وجود داشت و ضوابط بسیار سختی برای نحوه ورود، خوردن غذا و خروج آنان از دارالمساکین وضع شده بود: در مطبخ با ترتیباتی باز و افراد وارد می‌شدند. نحوه ورود چنین بود: «بواب» این مکان صد نفر را وارد، سپس در را با کمک درویشان و فقرای وارد شده بسته می‌شد تا مانع از ورود افراد زائد بر ظرفیت شوند. چون افزون بر صد آش توزیع نمی‌شد. اگر افراد بیشتری وارد می‌شدند، "باید از آش و نان آنان چیزی کم کرد و به آنان که زیاده‌تر آمده داد" (همان: ۱۴۴). چون افراد می‌نشستند، غذا توزیع می‌شد. به هر نفر یک کاسه آش و دو قطعه نان داده می‌شد. ترتیب خوردن و بردن تفاوت داشت. اگر آش در دارالمساکین خورده می‌شد، یک نفر «مرتب» آش را در کاسه سفالین سرو می‌کرد. سپس همه در یک صف نشسته و پس از استقرار همگی، توزیع غذا از صفی که به جانب راست نزدیک در قرار داشتند، چنین شروع می‌شد: اول ۵ نفر بلند شده و نزدیک دیوار مشبک مطبخ رفته و کاسه سفالین خود را به «مرتب» می‌داند و «مطبخی» با «کفچلیز» معیار شده، دو پیمانه آش در کاسه می‌ریخت و یک پاره گوشت، که خمس یک من بود، در آن می‌گذاشت و با دو عدد نان به وی می‌داد. ۵ نفر اول غذا را می‌گرفتند و به جای خود برمی‌گشتند و پنج نفر بعدی، تا پایان صد نفر، غذا و نان دریافت کنند. در این زمان «فراش»ها در را قفل و بسته نگاه می‌داشت تا پس از اتمام غذا بازرسی آغاز می‌شد تا «فراش و مرتب» از بازگرداندن

سپس برای طبخ و توزیع غذا بین درویشان و مساکین «دیگ مسکینان» در محلی معین در بازار شهرستان رشیدی تعبیه شد (همان: ۱۴۳) و روزانه یک صد کاسه طعام پخته و توزیع می‌شد. میزان و حجم غذا دقیق مشخص بود و در هر کاسه یک پاره گوشت (خمس یک من)، با دو عدد نان (نان سیجانی، وزن حدود نیم من)، به هر یک از نیازمندان داده می‌شد. ظاهراً کیفیت این آش، با آش «دارالضیافه ربع رشیدی» تفاوت داشت. این آش‌ها باید در شب پخته و در روز توزیع می‌شد. باید نحوه طبخ و توزیع این غذا با کیفیتی صورت می‌گرفت که به مانند آش پخته شده در روز باشد. چون به این گروه از نیازمندان فقط غذای روزانه داده می‌شد، از این رو مراقبت در توزیع غذا اهمیت داشت.

نوع دوم تغذیه رایگان، مختص گروه دیگری از محرومان بود، یعنی مسافران نیازمندی که به ربع وارد می‌شدند. اینان هر روز در مکانی معین غذا می‌خوردند و برای شب نیز جیره غذایی دریافت می‌کردند (همان: ۱۴۲). تا سه روز غذای شب و روز اینان تأمین بود. به این افراد مسافر نیازمند «مردمان غیرمتمیز» گفته می‌شد تا به تفاوت پایگاه و شئونات اجتماعی آنان از افراد برخوردار اشاره شود. غذای این افراد نیز از دیگ درویشان بود:

ایشان را از دیگ درویشان معین شده که آش بدهند، از آنجا خورند نه از دارالضیافه. و ایشان به دارالمساکین که آنجا آش مسکینان معین شده روند (همان: ۱۴۳).

بر این اساس، پایین‌ترین رده گروه‌های محروم در ربع، در دارالمساکین (غذاخوری مساکین و بی‌خانمان‌ها) تجمع می‌کردند.

نوع سوم تغذیه رایگان مختص گروه دیگری از

یک‌صد کاسه مطمئن می‌شدند و بعد درها باز می‌شد. اگر کسی موقع دریافت غذا با دیگری جنگ می‌کرد، «مرتب» غذای او را بین بقیه حضار توزیع می‌کرد و با کمک دیگران آن افراد هنگامه‌جو بیرون انداخته می‌شدند (همان: ۱۴۴).

افراد متصدی امور تغذیه رایگان باید معتمد، امین و متدین بوده، از مسکرات دوری و «در حوائج آن خیانت نکنند. آش پاک پزند و خوش طعم. دیگ و کاسه پاک دارند» (همان: ۱۴۴). نوع گوشت آش فقرا گوشت گوسفند بود و اگر نبود گوشت گاو باید طبخ می‌شد. برخی اقلام مانند کرنب، شلغم و گزر باید در آش وجود می‌داشت. افزودن سبزی‌ها به آش مانند گندم، برگ چغندر، اسفناج و برگ پیاز و عدس و نمک و گشنیز و زیره، جهت خوش بو و مقوی کردن غذا (همان: ۱۴۵) الزامی بود. همه این برنامه غذایی باید به دقت رعایت می‌شد. توزیع غذا در موقع چاشتگاه و شب هنگام صورت می‌گرفت (همان: ۱۴۱) و دارالمساکین محل رجوع روزانه فقرا جهت دریافت و تناول غذا و نان گرم بود.

ب- تأمین حداقل نیاز غذایی روزانه: نان رایگان تأمین نان رایگان فرودستان در ذیل برنامه حمایت خوراک روزانه آنان بود که ضوابط کلی این برنامه در بخش «شروط نان دادن» وقف‌نامه آمده است (همان: ۱۶۰-۱۶۴). بعضی از آن شروط عبارتند از: مکان معین برای توزیع نان وجود داشت؛ نان در وقت مشخص توزیع می‌شد؛ دستورالعمل‌ها و ضوابط دقیق در این مورد وجود داشت؛ وزن کردن نان، نحوه توزیع نان، وظائف مسئولان در نظارت بر این روند، شیوه تعیین کیفیت طبخ نان و مواد تشکیل دهنده نان. جزئیات برنامه مزبور جهت‌گیری فرهنگی و اجتماعی در اجرای سیاست حمایت اجتماعی را

آشکار می‌کند. پرورش شخصیت فرد نیازمند، جلوگیری از بروز نوسانات قیمت مواد اولیه و غلات در میزان و کیفیت نان، با روش انبار کردن غلات مورد نیاز، ممنوعیت هرگونه احتکار رزق مردم و مبارزه با این عمل در این جهت بود. حتی دستوری در مورد جایگزینی مواد غلات با اقلامی چون گاورس، در ایام بروز قحطی صادر شده بود (همان‌جا). تا «مردم [محروم] که همواره به واسطه این ترتیب لقمه‌ای خورند، محروم نمانند و تدارک و تلافی بدان گاورس توان کرد» (همان: ۱۶۴). این سیاست‌ها مانع از بروز نوسان در اجرا و آثار سیاست حمایتی تأمین نان روزانه مردم نیازمند بود و از شکست لایه‌های محروم جامعه در ایام سختی جلوگیری می‌کرد. سیاست‌های مقابله با آسیب‌های این روال در وقف‌نامه تعیین شده بود.

برنامه توزیع نان چنین بود: مسئولان نان پخته شده، با کیفیت یکسان، در ربع رشیدی را به «مطبخ آش مسکینان»، در بازار شهرستان ربع رشیدی، برده و طبق دستور توزیع می‌کردند. نان مزبور به همراه آش در دارالمساکین بین مستمندان توزیع می‌شد.

۲-۲-۵. حمایت از گروه محروم از حقوق

اجتماعی

غلامان مقیم ربع رشیدی از نوع دیگری از حمایت اجتماعی برخوردار بودند. در فصل ۱۱ با عنوان «در باب غلامان وقف ربع رشیدی» (همان: ۱۵۰-۱۵۶) سیاست‌هایی تعیین شد، که اهم آنها بدین قرار بود: غلامانی که در یکی از رشته‌های «باغبانی، زراعت و عمارات باغات» کار می‌کردند، افزون بر دستمزد مقرر، یک چهارم از درآمد حاصله را دریافت می‌کردند؛ به غلامان باغبان سه سر ماده گاو داده می‌شد تا بزرگ کنند؛ رئیس گروه غلامان یک

و سایر حرفی که مصلحت می‌دانست، می‌گمارد. ترجیح با فراگیری حرفه پدری بود و در هر حال نباید به حرفه‌ای گمارده می‌شدند که احتمال موفقیت در آن کم باشد (همان: ۱۵۱). از محل دستمزدهای این فرزندان یک پنجم جهت موقوفه ضبط می‌شد تا صرف هزینه‌های سرپرستی خانواده‌های آنان بعد از فوتشان شود (همان: ۱۵۲). طوری که «محتاج کسی دیگر نشوند و مکفی المؤمنه باشند» (همان: ۱۵۳).

فرزندان غلامان که حرفه‌ای را زیر نظر متولی فرامی‌گرفتند، بعدها تحت نظر وی به کار گمارده می‌شدند یا به جای پدر یا به نسبت مزیت آنان

... از مرتبه علیا و وسطی و سفلی کاری مناسب حواله کند، از تحصیل اموال و منالات وقف و شحنگی و معتمدی مواضع وقف و عاملی دیه‌ها و معماری و سرکاری و سرهنگی و فراشی و بوابی و خازنی (همان: ۱۵۲).

بر این اساس گروه غلامان موقوفه و خانواده‌های آنان، طبق برنامه‌ای مشخص به کار پرداخته و سرنوشت فرزندان و خانواده آنها، پس از درگذشت پدر خانواده، تحت سرپرستی متولی موقوفه در می‌آمد. نوعی از بیمه بازنشستگی غلامان یا بیمه از کار افتادگی (از برخی وجوه مشابه رویه‌های معاصر) چون برنامه‌های حمایت اجتماعی بود که مانع از شکست اجتماعی این گروه فرودست در جامعه ربع در اثر نوسانات اقتصادی و حوادث مختلف می‌شد. البته توارث در قید و بندگی خارج از این بحث است، اما رعایت دقایق زندگی و آسیب‌های اجتماعی فراروی آنان و تعبیه بیمه و حمایت‌های اجتماعی خاص برای غلامان به عنوان برنامه‌ای مترقی در زمانه خود به شمار می‌رفت.

چهارم محصولات این گاوهای وقفی از قبیل شیر، ماست، روغن و گوساله را برداشته و مابقی را به موقوفه می‌سپرد؛ به هر باغبان دو مرغ و چهل تخم مرغ داده می‌شد تا زنان و کودکانشان پرورش دهند و از محصول سه ربع به آنان و یک ربع به موقوفه اختصاص داشت؛ دریافتی‌ها از این محل در خزانه‌ای نگهداری می‌شد.

از محل پس‌انداز، درصدی از درآمدهای گروه غلامان، بنا به شرح ذیل، باید برای حفظ شمار جامعه غلامان یا تأمین هزینه‌های غیرمترقبه آنان هزینه می‌شد. این موارد شامل پرداخت مخارج اطفال و ایتم و بیوه زنان غلامان بی‌بضاعت، یا هزینه‌های از کار افتادگی، یا پرداخت هزینه‌های کفن و دفن آنان می‌شد. اگر لازم بود غلام یا کنیزی خریداری و جایگزین آنان شود، نیز از این محل هزینه می‌شد (همان: ۱۵۵). سایر آنچه که غلامان و فرزندان آنان درآمد داشتند، تا سه ربع، صرف امور زندگی خود می‌کردند و یک ربع جهت موقوفه ضبط می‌شد و از این محل هزینه خرید غلامان یا کنیزان تأمین می‌شد تا عدد غلامان و کنیزان موقوفه ثابت باقی بماند (همان: ۱۵۵).

متولی موقوفه در صورت فوت غلام یا از کارافتادگی او، پسرش را جایگزین پدر می‌کرد و اگر پسری نداشت، از محل درآمدهای غلامان، یک غلام جدید خریداری و به جای او قرار می‌داد. اگر زن غلامی می‌مرد کنیزی از مال موقوفه خریداری و به جای او می‌دادند و اگر کنیزی در موقوفه بود، او را به وی می‌دادند (همان: ۱۵۱). متولی موظف بود به وضعیت فرزندان غلامان رسیدگی کند. وی هر یک را موافق طبع او در حرفه‌ای مانند خطاطی، قوالی، نقاشی، زرگری، باغبانی، کهریزکنی، دهقنت، معماری

۳-۲-۵. برنامه تأمین بهداشت و سلامت

در برنامه جامع تأمین اجتماعی ربع امر سلامت ساکنان و به ویژه افراد محروم در مؤسسه دارالشفاء (ر.ک: فصل ۹ وقف‌نامه) ساماندهی شده بود. یک طبیب تمام وقت به کار مشغول و داروی مورد نیاز بیماران توسط مؤسسه دارالشفاء تأمین می‌شد (مطالعه اجتماعی این موضوع: Khafi pour, 2012: 97-177). برنامه تأمین سلامت گروه‌های مختلف از مجاور، مسافر و عمله را در بر می‌گرفت. دو روز در هفته (دوشنبه و پنجشنبه) اختصاص به پذیرش عام بیماران از سکان، مجاوران و ملازمان ربع و شهرستان و حتی مردمان همسایه داشت. روشن است درجه‌بندی گروه‌های اجتماعی، از نظر تقدّم در رسیدگی به احوال آنان مد نظر بوده است (ر.ک: وقف‌نامه، ۱۴۶). دقایق دستورالعمل واقف در نحوه رسیدگی پزشکی و معاینه، بستری کردن بیماران، خوراندن انواع داروها تا ضوابط کفن و دفن افراد بی‌بضاعت (همان: ۱۴۷) جزو حمایت‌های مستقیم از گروه‌های فرودست ربع بود. بدون تردید سیاست سلامت در ربع، از جمله امور رفاهی و تأمین بود که منافع کل جامعه ربع و کاهش هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بعدی را در پی داشت. عنایت واقف به رعایت بهداشت عمومی در جامعه ربع در باب نظافت و بهداشت غذاخوری‌های عمومی (همان: ۱۳۸)، خانقاه، دارالضیافه و سایر مکان‌های عمومی (همان: ۱۳۸) نشان‌دهنده جنبه‌های پیشرفته سیاست سلامت و بهداشت فرودستان در ربع بود.

۴-۲-۵. حمایت از زنان سرپرست خانوار

متولی موقوفه باید به امور همه بیوه زنان، به ویژه بیوه زنان (ارامل) نیازمند رسیدگی کند (ر.ک: فصل هفدهم وقف‌نامه). وی باید درصد مشخصی از درآمد

موقوفه (هر سال بالغ بر ۲۵۰ دینار نقد رایج تبریز) را صرف سرپرستی امور یک‌صد نفر بیوه زن که درویش و محتاج بودند، نماید. به هر یک از آن بیوه‌زنان، دو دینار داده می‌شد تا «پنبه محلوج» خریده، ریسیده و بفروشد و از آن محل زندگی خود را اداره کنند (همان: ۲۱۵). البته این امر نیاز به رسیدگی در ابعاد مختلف داشت که از وظائف متولی و عوامل او به شمار می‌رفت. سیاست توانمندسازی و حمایت غیرمستقیم از زنان سرپرست خانوار در شکل راه‌اندازی کسب و کار خانگی هنوز چون رویه‌ای کارآمد در این رابطه، مورد توجه است.

۵-۲-۵. تعیین حداقل حقوق و دستمزد

حمایت از منافع کارورزان نیز در ربع مورد توجه بود: بنا به تناسب حجم و نوع کار هر فرد و نیز در ارتباط با نیازهای اجتماعی و موقعیت اجتماعی آن افراد، مقرراتی در باب دستمزدهای آنان وضع شده بود. به افراد پرداخت جنسی و نقدی صورت می‌گرفت تا قدرت خرید آنان حفظ و تعادل در جامعه رعایت گردد. این افراد که «مرتزقه ربع رشیدی» نام داشتند، براساس برنامه‌ای منظم در طول روز و حین کار غذای گرم تناول می‌کردند. در برنامه مزبور سیاست حمایت از کفایت درآمد خانوارها نیز مد نظر بود (ر.ک: همان: ۱۳۱-۱۳۶). در وقف‌نامه از پیش‌بینی افزایش سالانه درآمدها بحثی نشده است. به نظر می‌رسد براساس سیاست‌های حمایتی خواجه و نیز تکیه بر ثبات درآمدهای موقوفه، پیش‌بینی شده که ثبات پرداخت‌های عوامل ربع تکافوی زندگی آنان را در سال‌های مختلف خواهد داشت.

۶-۲-۵. حمایت کودکان بی‌سرپرست

در ربع مرکز «بیت‌التعلیم» برای نگاهداری و آموزش ایتام وجود داشت. ده نفر ایتام مستحق، از

۸-۲-۵. تأمین مسکن ارزان

در سیاست جامع تأمین اجتماعی و رفاهی و نیز به منظور حمایت از گروه‌های کم‌برخوردار و فرودست ربع، برای تأمین نیازهای اساسی چون مسکن، برنامه‌هایی تدارک دیده شده بود. البته در برنامه مزبور، راهبردهای اجتماعی دیگری چون اصل مکان‌گزینی افراد، طبق منزلت اجتماعی آنان، نیز مد نظر بود. ساکنان متأهل ربع که جزو کارکنان گزیده ربع بودند، در «محلّه صالحیه» زمینی را برای احداث خانه دریافت کرده و در ازای آن به موقوفه اجاره می‌پرداختند (همان: ۱۸۴-۱۸۷). با این روش مشکل تأمین مسکن برای افراد فرودست برطرف می‌شد و در نتیجه امکان استفاده بیشتر از مزایای رفاهی ربع را به دست می‌آوردند. دیگر گروه‌های مجرد نیز بر اساس ضوابط مربوط، می‌توانستند از خانه‌های موجود در فضای ربع یا شهرستان استفاده کنند.

شرایط استفاده افراد و فرودستان از حجره‌ها و خانه‌های واقع در ربع تابع مقررات و نظر متولی بود. اشاره شد غلامان، باغبانان، کهریزکنان و دیگر گروه‌های فرودست (همان: ۱۹۲) با دریافت زمین، خانه ساخته و اجاره پرداخت می‌کردند. با این روال بخشی از هزینه‌های اصلی تأمین مسکن حذف و سهمی از درآمدهای خانواده‌های فرودست صرفه‌جویی می‌شد. در این بحث موضع منطقه‌بندی ربع از نظر توزیع مکانی افراد برخوردار و گروه‌های فرودست از منظر دیگر هم قابل طرح است، که در مجال خود باید بررسی شود.

۹-۲-۵. حمایت از در راه‌ماندگان و مسافران

طیفی از افراد نیازمند در جامعه ربع «غربا» و «مسافران درویش» بودند که از حمایت‌های مجتمع برخوردار می‌شدند. به عنوان مثال گروه‌های صوفیه یا

افراد جامعه ربع، در این مرکز تحت سرپرستی قرار داشتند. در مرکز یک معلم و یک اتابک متأهل، به اینان «تعلیم قرآن بر عادت» می‌کرد (ر.ک: همان: ۱۳۵). به هر نفر یتیم سالانه مبلغی نقد و میزانی نان روزانه پرداخت می‌شد (همان: ۱۳۵). به نظر می‌رسد مقرری سالانه نقدی آنان توسط اتابک یا متولی پس‌انداز می‌شد و پس از خروج آنان از دارالتعلیم به عنوان سرمایه شغلی آنان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

این افراد اگر از ایتام غلامان بودند با دریافت آموزش‌های خاص مکمل، به شغل پدری گمارده می‌شدند. در غیر این صورت با نظر متولی در رشته‌های مورد نیاز ربع آموزش لازم را دیده و به کار مشغول می‌شدند. اگر اینان از فرزندان مستحق دیگر کارکنان ربع بودند نیز باید ابتدا آموزش دیده و سپس متناسب با نیاز موقوفه به کار گمارده می‌شدند. این‌گونه نظام حمایت اجتماعی و تعلیم و تربیت رایگان کودکان بی‌سرپرست، تدبیری عالی برای فقرزدایی از فرودستان بود.

۷-۲-۵. تأمین اقلام ضروری زندگی

تأمین آب رایگان برای مصارف شرب، مصارف منزل، باغبانی، حمام‌ها، مصارف کارگاه‌ها (کاغذ خانه و غیره) و باغچه‌های منازل (همان: ۲۱۵-۲۰۹)، در زمره سیاست‌های رفاهی و حمایتی در ربع بود. در نظر گرفتن هر محور از معافیت‌های فوق برای تقویت اقتصاد خانوار، زیرساخت‌های بهداشتی و سلامت، به‌ویژه فرودستان بود. استفاده رایگان از آب جهت مصارف جاری شهریان چونان یک تسهیل مهم و عامل توسعه رفاه عمومی در جامعه و به‌ویژه برخوردارگی گروه‌های فرودست از امکانات بهداشتی و شرب بود. البته قاعده تأمین آب زراعت و پرداخت حقه‌ها جدا از مصارف عمومی ربع بود.

نیازمندانی که به خانقاه ریح وارد می‌شدند، در این شمار بودند. مقرر بود به اینان وجهی جهت تهیه «پای‌افزار» پرداخت شود و به مدت سه روز پذیرایی شوند و از غذیه رایگان نیز استفاده کنند. بعد از سه روز، نیم دینار رایج به عنوان هزینه سفر تا مقصد یا ادامه مسیر به وی پرداخت می‌شد. سرجمع این حمایت‌ها در سال برای چهارصد درویش، دویست دینار رایج تبریز بود. اگر چهارصد درویش مستحق نیامد و دویست دینار هزینه نشد، آن را به دیگر درویشان که پای‌افزار نداشتند، می‌دادند (همان: ۲۰۳-۲۰۴). این فقرا تا هنگامی که در ریح اقامت داشتند مورد حمایت بودند و سپس طی برنامه‌ای راهی می‌شدند. این سیاست «ترحیب» مسافران و غربای در راه مانده بود. البته به مسافران گزیده و دارای مکنت طور دیگری رسیدگی می‌شد (همان: ۱۴۱-۱۴۳) که با شیوه رسیدگی به مسافران غریب و درویش تفاوت داشت.

۶. نتیجه

سیاست‌ها و راهکارهای عملی حمایت از محرومان و فرودستان در جامعه سده ۷ق/ ۱۳م، بازتابی از قواعد و مقررات جاری در نظام سنتی تأمین اجتماعی ایران بود. در دوره معاصر، بنا به تجربیات مشابهی که در دیگر کشورها شکل گرفت، این‌گونه نظام‌های تأمین‌ی شکل و ماهیت تکامل یافته‌ای پیدا کرد. ظرفیت‌های کارآمدی در نظام تأمین اجتماعی سنتی محقق شده در ربع رشیدی، مبتنی بر نظام وقف بود: تجارب برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی و انسانی فقرزدایی، الگوی واقع‌گرایانه اولویت بندی نیازهای فرودستان، رویه‌های پایدار حمایت‌های اجتماعی معطوف به شکست چرخه فقر، الگوهای نظام‌مند حمایت اجتماعی و چگونگی ورود بخش خصوصی در این عرصه. با توجه به امکان به روزرسانی ظرفیت‌های سیاستی و ابزاری موجود در برنامه مزبور، می‌توان برخی از رویه‌ها و الگوهای توانمندسازی فرودستان را بازخوانی نمود و نیز در

سیاست و برنامه‌های تأمین اجتماعی و حمایت از فقرا که در روزگار ایلخانی در ربع رشیدی اجرا شد، معطوف به مسایل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از هجوم صحراگردان به جوامع شهری و بروز بحران در روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بود. براساس آرای نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله، برنامه جامعی برای تأمین و حمایت از فرودستان به اجرا درآمد. در الگوی مورد نظر عناصری از الگوی تأمین و رفاه (مواردی چون رسیدگی به امور مسافران تنگدست، تأمین هزینه‌های فوت، بیماری و درمان، خسارت‌های ناگهانی به افراد، سرپرستی و تأمین اطفال و بیوه زنان) و نیز مواردی از الگوی بیمه اجتماعی (بازنشستگی، مستمری،

آثار ملی.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۷۳): *جامع التواریخ*. تصحیح محمد روشن - مصطفی موسوی. تهران: البرز. ساندرز، ج. ج (۱۳۶۳). *تاریخ فتوحات مغولان*. ترجمه ابوالقاسم حالت. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۷۸). «نظام‌های سنتی تأمین اجتماعی در ایران». فصلنامه *تأمین اجتماعی*. س ۱. زمستان. ش ۳. ص ۲۴-۶۱.

رستم‌وندی، تقی (۱۳۹۲). *اندیشه‌های ایرانشهری در عصر اسلامی، بازخوانی اندیشه سیاسی حکیم ابوالقاسم فردوسی، خواجه نظام الملک طوسی، شیخ شهاب‌الدین سهروردی*. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

قابل، احمد (۱۳۸۰). «تأمین اجتماعی در قرآن». فصلنامه *تأمین اجتماعی*. س ۳. بهار. ش ۱. ۲۳۷-۲۵۸.

قزایی مقدم، امان‌الله (بی تا). «رفاه و تأمین اجتماعی در عصر هخامنشیان». ماهنامه *فرهنگی - سیاسی اجتماعی و ادبی فردوسی*. ۸۴-۸۷.

کرمی، یوسف (۱۳۸۷). «تأمین اجتماعی در اسلام؛ مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی». *کتاب ماه علوم اجتماعی*. فروردین. ش ۱. ۱۷-۱۹.

کرون، پاتریشیا (۱۳۸۹). *تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام*. ترجمه مسعود جعفری. تهران: سخن.

لمبتون، آن؛ نیوتون، کرک (۱۳۸۴). «بررسی موقوفات ایران در قرون ۶ تا ۸ هجری». ترجمه مجتبی کیانی. *میراث جاویدان*. س ۱۳. بهار. ش ۴۹. ۷۶-۹۳.

مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۵۲). *شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان*. تهران: انجمن ایران باستان.

نادران، الیاس؛ آقانظری، حسن؛ حسینی، سیدرضا (۱۳۹۱). «الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت‌های آن برای الگوهای نوین». *معرفت اقتصادی*. س ۳. بهار - تابستان. ش ۲. پیاپی ۶. ص ۵-۲۸.

نبئی، محمدرضا (۱۳۷۶). *تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه خواجه*

رفع نارسایی موجود در الگوهای تأمین اجتماعی، بهره‌برداری‌هایی صورت داد که این امر باید در شماری از پژوهش‌های آتی کاویده شود.

منابع

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر*. چاپ دوم. تهران: علم. اقبال، عباس (۱۳۸۸). *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*. چاپ نهم. تهران: امیرکبیر.

اصیل، حجت‌الله (۱۳۹۳). *آرمانشهر در اندیشه ایرانی*. چاپ سوم. تهران: نشر نی.

بستانی، احمد (۱۳۹۴). «بررسی شهر آرمانی در اندیشه فارابی و سهروردی». *سیاست مدنی و سیاست مثالی، سیاست نامه*. س ۱. ش ۱. ۵۱-۵۷.

بویل، جی. ر. (۱۳۷۹). *تاریخ ایران*. ترجمه حسن انوشه. پژوهش دانشگاه کمبریج. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر. تنسر (۱۳۵۴). *نامه تنسر به گشنسب*. تصحیح مجتبی مینوی. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.

پطروشفسکی، پ؛ یان، کارل؛ ماسون اسمیت، جان (۱۳۶۶). *تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: اطلاعات.

تواناییان فرد، حسن (۱۳۶۱). *تاریخ اندیشه‌های اقتصادی در جهان اسلام*. تهران: بی نا.

خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۵۶). *اخلاق ناصری*. تصحیح مجتبی مینوی - احمد حیدری. تهران: خوارزمی.

رجب‌زاده، هاشم (۱۳۵۵). *آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی*. تهران: توس.

رجیبی، محمود و همکاران (۱۳۸۷). *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام*. تهران: سمت.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۵۶). *وقف‌نامه ربع رشیدی؛ الوقیه الرشیدیه بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف و المصارف*. چاپ حروفی از روی نسخه اصل. به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن

- Hong, Young-sun*: Social Welfare and Insurance, in: Stearns, Peter N. (ed): Encyclopedia Of European Social History, from 1350 to 2000, Charles Scribner's Sons, New York, 5 Vol, 2001, Vol 3, pp: 467-480.
- Pullan, Brian*: Charity and Poor relief: the early Modern period, in: Stearns, Peter N. (ed): Encyclopedia Of European Social History, from 1350 to 2000, Charles Scribner's Sons, New York, 5 Vol, 2001, Vol 3, pp: 447-451.
- Khafpour, Hani* (January 2012), A Hospital in Ilkhanid Iran: Toward a Socio-economic Reconstruction of the Rab'-i Rashī dī , Iranian Studies, volume 45, number 1, pp: 97-117.
- نصیرالدین طوسی و انطباق آن با نظریه‌های جدید در جامعه‌شناسی. رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. آذرماه.
- یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۷). وقف و توسعه شهری، نمونه ربع رشیدی. تهران: نگارستان اندیشه.
- Blair, Sheila*. S: Ilkhanid Architecture and society: an analysis of the endowment deed of the Rab-Rashidi, in Iran, Vol 12, 1984, pp: 67-90.
- Blair, Sheila*. S: "RAB'-E RAŠIDI," Encyclopædia Iranica, online edition, 2016, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/rab-e-rashidi> (accessed on 09 March 2016)